

تلخ و شیرین‌های آموزش در روستا

گزارشی از دبستانی روستایی در منطقه‌ی طالقان

نصرالله دادار
عکاس: غلامرضا بهرامی



اشاره

دبستان شهید سیدخلیل حسینی در سال ۱۳۶۹ در روستای زیدشت طالقان تأسیس شده است. این مدرسه در حال حاضر ۴۸ دانش‌آموز دارد که ۱۷ نفر از آن‌ها افغانستانی هستند.

این دبستان را یکی از مدارس موفق منطقه می‌دانند که همواره در مسابقات علمی رتبه‌های برتر و عالی کسب می‌کند. در سفر به منطقه‌ی طالقان، گزارشی از این مدرسه تهیه کرده‌ایم که توجه شما را به آن جلب می‌کنیم.

از دانش‌آموختگان همین مدرسه، مربی پیش‌دبستانی هستند.

کسب رتبه‌ی اول منطقه

الزامی می‌افزاید: «تعداد زیادی از دانش‌آموزان این مدرسه به درجات بالای علمی کشور در رشته‌هایی مانند پزشکی، مهندسی و حقوق دست یافته‌اند. آن‌ها هر سال در آزمون‌های علمی آموزش‌وپرورش شرکت می‌کنند و معمولاً در منطقه اول می‌شوند. در حال حاضر هم تعدادی از دانش‌آموزان مانند **مریم رضایی و محمد گلی‌تباری** به مدارس تیزهوشان کرج راه یافته‌اند.»

به گفته‌ی الزامی، مرکز طالقان از سال ۱۳۰۴ و روستای زیدشت از سال ۱۳۲۰ مدرسه داشته‌اند و به همین دلیل منطقه از نظر فرهنگی سوابق درخشانی دارد.

تعداد دانش‌آموزان فعلی دبستان

دبستان شهید سیدخلیل حسینی در حال حاضر ۴۸ دانش‌آموز دارد که ۱۷ نفر

حدود ساعت ۱۲ ظهر به روستای زیدشت وارد می‌شویم و به دبستان شهید «سیدخلیل حسینی» می‌رویم. آقای **مصطفی الزامی**، مدیر مجتمع آموزشی شهید فلاحی طالقان، خانم **سیده‌معصومه میرحسینی**، معاون آموزگار دبستان، به همراه دیگر همکاران و دانش‌آموزان مدرسه منتظر ورود ما هستند.

پس از حال و احوال کردن‌های معمولی و متعارف، الزامی می‌گوید: «دبستان شهید سیدخلیل حسینی تحت پوشش مجتمع آموزشی شهید فلاحی است. مدرسه در حال حاضر، توسط یک معاون آموزگار و سه آموزگار اداره می‌شود.

اکثر آموزگاران این مدرسه برگزیده‌ی طرح‌های کشوری، استانی و منطقه‌ای مانند طرح‌های جابر، طراحی آموزشی، مهارت‌های زندگی و درس‌پژوهی هستند.

سیده‌معصومه میرحسینی معاون و آموزگار پایه‌ی ششم، **زینب سلیمیان** معلم پایه‌ی اول، **مژگان مهدی** معلم پایه‌های دوم و سوم و **سمیه رزاقی** معلم پایه‌های چهارم و پنجم و **معصومه خنجری**،

از آن‌ها افغان هستند. از این تعداد، ۱۳ نفر در پایه‌ی اول، ۹ نفر در پایه‌ی دوم، ۹ نفر در پایه‌ی سوم، ۸ نفر در پایه‌ی چهارم، یک نفر در پایه‌ی پنجم و ۸ نفر هم در پایه‌ی ششم مشغول تحصیل‌اند.

ارتباط خوب اولیا و مربیان

سیده‌معصومه میرحسینی معاون آموزگار مدرسه که ۲۶ سال سابقه‌ی کار دارد و کارشناس آموزش ابتدایی است، ضمن برشمردن ویژگی‌های این دبستان می‌گوید: «ارتباط ما با اولیای دانش‌آموزان بسیار خوب و صمیمی است. اولیا ارتباط کاملاً نزدیکی با مدرسه دارند و به این ترتیب از مسائل مدرسه آگاه می‌شوند.»

درس را نفهمیده‌اند، معلم را رها نمی‌کنند و گاهی اوقات برای یاد گرفتن مطالب درسی حتی التماس می‌کنند و می‌گویند خانم ما حاضریم بیاییم منزل شما کار کنیم تا در کنار شما درس‌ها را خوب یاد بگیریم.

صندلی داغ و کشف نگاه بچه‌ها به آموزگار

یکی از روش‌هایی که خانم سلیمیان برای درک بچه‌ها، کشف نگاه آن‌ها نسبت به آموزگار و پیشرفت کارهایش انجام می‌دهد، برقرار کردن «صندلی داغ» در کلاس درس است. او می‌گوید: «ماهی یک‌بار یک صندلی جلوی کلاس درس می‌گذارم و به بچه‌ها می‌گویم این «صندلی داغ» است. شما بیایید تک‌تک روی آن بنشینید و از هر کجا که می‌خواهید صحبت، درد دل و انتقاد کنید. از خود من شروع کنید. این کار باعث می‌شود که اولاً بچه‌ها تمرین کنند مسائل خود را بگویند و از نظر روانی تخلیه شوند، ثانیاً من بفهمم بچه‌ها از من چه درکی دارند.

دانش‌آموزی که مادرش می‌گفت چیزی نمی‌شود

پیام سیدعلی‌خانی دانشجوی فعلی رشته‌ی مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف، یکی از دانش‌آموزان سابق دبستان شهید سیدخلیل حسینی روستای زیدشت منطقه‌ی طالقان بوده است که مادرش معتقد بوده او چیزی نمی‌شود، اما در اثر درک درست و برنامه‌ریزی مناسب معلمش (خانم سلیمیان) او مراحل تحصیل را به خوبی طی می‌کند، تا جایی که به دانشگاه صنعتی شریف راه می‌یابد. سلیمیان می‌گوید: «قصه از اینجا شروع شد که روزی در کلاس درس، وقتی به بچه‌ها گفتم بنویسید: «آب»، متوجه‌شدم «پیام» نمی‌نویسد. به‌اونزدیک‌شدم. گریه می‌کرد و دستانش می‌لرزید. به خودش می‌گفت آ یعنی چه؟ متوجه شدم او می‌ترسد. مادرش را به مدرسه خواستم و با او صحبت کردم. متوجه شدم مادرش نسبت به بچه‌اش خیلی حساس است. از او خواستم در خانه به پیام چیزی نگوید. خودم هم مدتی به او تکلیف ندادم تا از فشاری که روی پیام است، بکاهم. با همین کار، بعد از مدتی ترس و اضطراب



بعد به مدرسه‌ی شهید آیت (مدرسه‌ی کمپ سازمان آب) رفته و از سال ۱۳۷۳ هم به این مدرسه آمده‌ام. روش من این است که در ابتدای سال با اولیا جلسه می‌گذارم و آن‌ها را توجیه می‌کنم تا در کارها با من همکاری کنند. سختی کار من تقریباً تا اوایل آذرماه است. پس از آن همه‌ی کارها به آسانی و خوب پیش می‌رود. دانش‌آموزان من همه‌ی کارها و تکالیف خود را در مدرسه انجام می‌دهند و هیچ اضطرابی ندارند. یکی از خوبی‌های نظام جدید این است که دانش‌آموزان در این نظام فعال هستند. نظام آموزشی گذشته معلم‌محور بود، ولی اکنون دانش‌آموز‌محور شده و این باعث شده است دانش‌آموزان در برنامه‌های آموزشی فعال باشند. همچنین آموزش و درس دادن کتاب‌های جدید راحت‌تر است و محتوای آن‌ها به مسائل زندگی خیلی نزدیک‌تر شده است.

انگیزه و پشتکار دانش‌آموزان افغان

همان‌طور که اشاره شد، ۱۷ نفر از دانش‌آموزان این دبستان افغان هستند. خانم سلیمیان که تعدادی از دانش‌آموزان کلاسش را بچه‌های افغان تشکیل می‌دهند، درباره‌ی آن‌ها می‌گوید: «اگرچه اکثر والدین دانش‌آموزان افغان بی‌سواد هستند، ولی این دانش‌آموزان تیزهوش، با استعداد و پرتلاش‌اند. این در شرایطی است که آن‌ها نسبت به دانش‌آموزان ایرانی امکانات رفاهی کمتری دارند. دانش‌آموزان افغان مسئولیت‌پذیرند، با محیط اطراف خود سازش دارند و به شدت قدردان هستند. آن‌ها تا وقتی



میرحسینی در ادامه می‌گوید: «ما در ابتدای سال جلسات انجمن اولیا و مربیان را تشکیل می‌دهیم. چند کمیته‌ی اختصاصی مانند کمیته‌ی تربیت بدنی، تربیتی و عمرانی داریم که کارهای مدرسه را به خوبی پی می‌گیرند. خیرین و شورای روستا در حل مسائل مدرسه به ما کمک می‌کنند.»

نظر آموزگاران درباره‌ی ویژگی‌های کتاب‌های جدید درسی

زینب سلیمیان، آموزگار پایه‌ی اول، از سال ۱۳۶۸ کارش را در روستای «گتته ده» شروع کرده است. او می‌گوید: «در روستای «گتته ده» ۳۰ دانش‌آموز در پایه‌ی اول داشتیم. در آن زمان، روستا برق و آب لوله‌کشی نداشت.



پیام کم شد. احساس کردم او چند کلمه‌ای یاد گرفته است و خودبه‌خود در حال حرکت است. از آن به بعد بیشتر با او کار کردم. پیام روزبه‌روز پیشرفت می‌کرد تا مشکل او به‌طور کلی حل شد و توانست مسیر تحصیلی را به خوبی طی کند.»

روان‌شناس بالینی

مژگان مهدی آموزگار پایه‌های دوم و سوم این دبستان است. او متولد سال ۱۳۵۱ در تهران و دارای مدرک کارشناسی در رشته‌ی روان‌شناسی بالینی است. اگرچه از سال ۱۳۸۴ وارد آموزش و پرورش شده است، ولی سه سال است که تدریس می‌کند. او می‌گوید: امسال اولین سالی است که آموزگار دو پایه شده‌ام. در ابتدای سال استرس داشتیم. فکر می‌کردم معلم دو پایه بودن سخت است و از عهده‌اش برنمی‌آیم، ولی چون دوره دیدم و این کار را شروع کردم، متوجه شدم می‌توانم معلم دو پایه‌ی خوبی هم باشم. سعی می‌کنم با دانش‌آموزان بیشتر به‌صورت عملی کار کنم. چون احساس می‌کنم بچه‌ها مطالب عملی را بهتر یاد می‌گیرند و آموزش عملی برای آن‌ها جذاب‌تر است. به همین دلیل سعی می‌کنم بچه‌ها را زیاد به حیاط مدرسه ببرم. بچه‌ها هم حیاط را بیشتر از کلاس دوست دارند. به‌نظر من، روحیه‌ی معلم در تدریس و آموزش بسیار مؤثر است و هر اندازه این روحیه شاد و پویا باشد، معلم در کارش موفق‌تر است.»

اثر پرورشی معلمان ابتدایی زیاد است

سمیه رزاقی، آموزگار پایه‌های چهارم و پنجم است. او متولد سال ۱۳۶۳ روستای ناربان طالقان و کارشناس رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی است. هفت سال سابقه‌ی تدریس در مدارس ابتدایی دارد. به اعتقاد وی، نقش پرورشی معلمان دوره‌ی ابتدایی خیلی بیشتر از نقش آموزشی آن‌هاست و به همین دلیل، کار آموزگاران را پراهمیت می‌داند. او می‌گوید: «دانش‌آموزان ابتدایی به آموزگار خود به‌عنوان مادر دوم نگاه می‌کنند و جزئی‌ترین مسائل خود و حتی خانواده را با او در میان می‌گذارند. با معلم درد دل می‌کنند

و او را امین خود می‌دانند. بنابراین، آموزگار ابتدایی نقش تربیتی و پرورشی بسیار مهمی دارد. دانش‌آموزان از معلم الگو می‌گیرند و بسیاری از رفتارها و خلق و خوی آن‌ها تحت‌تأثیر رفتار معلمانشان است.»

رزاقی در ادامه به روش تدریس خود در کلاس درس اشاره می‌کند و می‌گوید: «دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی مطالبی را که قابل دیدن و لمس کردن باشند بهتر درک می‌کنند و می‌فهمند. بنابراین، من در این چند سال تدریس همواره سعی کرده‌ام مطالب کتاب‌های درسی را برای دانش‌آموزان ملموس و قابل درک کنم. من معمولاً بچه‌ها را برای فهم بهتر متن درس‌هایی مانند علوم و جغرافیا به حیاط مدرسه، کنار کوه و سد طالقان می‌برم. تجربه‌ی چند سال گذشته‌ی من هم نشان داده است که بچه‌ها به این ترتیب مطالب درسی را بهتر یاد می‌گیرند.»

خاطره‌ای تلخ و شیرین

رزاقی در ادامه به خاطره‌ای اشاره می‌کند و می‌گوید: وقتی در روستای جوستان طالقان در پایه‌ی چهارم تدریس می‌کردم، دانش‌آموزانی داشتم که بسیار بازگوش بودند و اذیت می‌کردند. به‌خصوص یکی از آن‌ها اصلاً حرف گوش نمی‌داد، چون یک‌بار به او گفته بودم چرا تکلیف انجام ندادی؟

یک روز این دانش‌آموز واقعاً آشک مرا درآورد. آن روز کاملاً بریده بودم و فکر می‌کردم نمی‌توانم معلمی کنم. با ناامیدی به دفتر مدرسه رفتم و با همکاران صحبت کردم. آن‌ها مرا دل‌داری دادند و گفتند با این دانش‌آموز خیلی کار نداشته باش. این دانش‌آموز روی بچه‌ها نفوذ زیادی داشت

و دیگران هم از او تبعیت می‌کردند و من باید مسئله‌ی او را حل می‌کردم تا مسئله‌ی دیگران حل شود. بعد از مدتی به این نتیجه رسیدم که از در دوستی با او وارد شوم. بنابراین، روشم را تغییر دادم و با او دوست شدم. همین دوستی فوق‌العاده روی او اثر کرد و کم‌کم آرام شد. طوری که در ماه‌های آخر، هم درس او و هم اخلاقش عوض و بهتر شد. من هم بسیار خوشحال و امیدوار شدم و یقین پیدا کردم که می‌توانم کارم را ادامه دهم.» او در ادامه می‌افزاید: «کار با دانش‌آموزان ابتدایی شیرینی‌های خاص خود را دارد. به همین دلیل، وقتی تابستان شروع و مدارس تعطیل می‌شوند، من لحظه‌شماری می‌کنم تا دوباره مهر آغاز شود و به مدرسه بروم. چون هر روز از این بچه‌ها چیز جدیدی یاد می‌گیرم و کار با آن‌ها برایم کسل‌کننده نیست.»

شهید سیدخلیل حسینی

شهید سیدخلیل حسینی که دبستان به‌نام او مزین شده است، در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در خانواده‌ای ساده و مذهبی در روستای زیدشت طالقان به‌دنیا آمد. او در همین روستا تحصیل و مدرک دیپلم دریافت کرد. پس از آن، در مرکز تربیت‌معلم ادامه‌ی تحصیل داد و سپس به خدمت آموزش و پرورش درآمد و معلم شد.

شهید سیدخلیل حسینی در خدمت به نونهالان و آینده‌سازان انقلاب اسلامی تلاش بی‌وقفه‌ای کرد، اما به‌دلیل ضرورت و نیاز، به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شتافت و در تاریخ شانزدهم دی‌ماه ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۵ در شلمچه به درجه‌ی رفیع شهادت نائل شد. روحش شاد.

